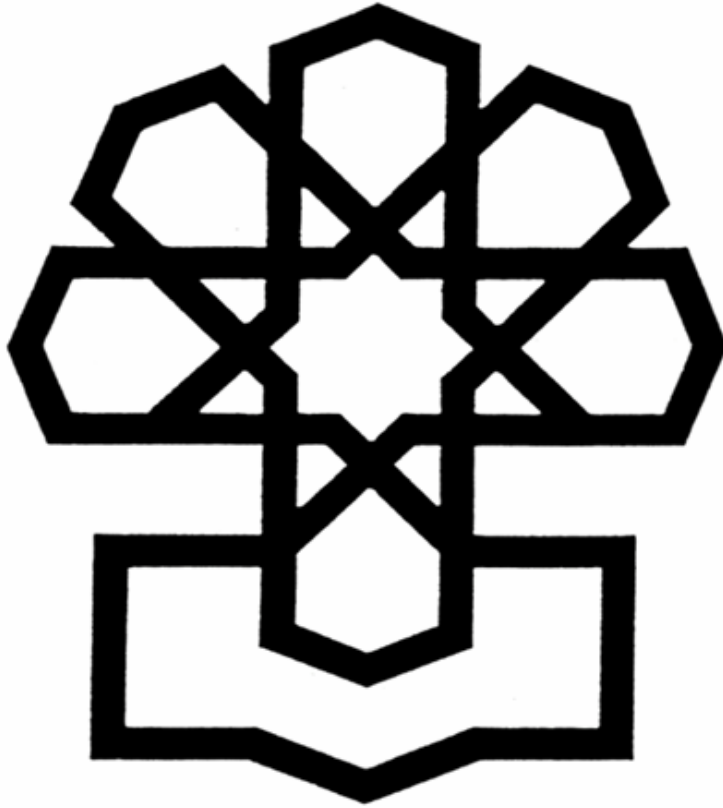
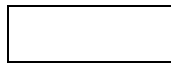


:( )



:



:



1

:( )

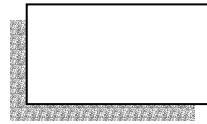
□

:

□

:

.....  
.....  
..... :  
..... :  
..... :  
..... :  
..... :  
..... .  
..... .  
..... .  
..... .  
..... .  
..... .  
..... .



اروپا پس از تلاشی به مدت بیش از نیم قرن، به اولین تجربه جهانی در عرصه یکپارچگی منطقه‌ای دست یافت. امروز شاهد آن هستیم پیش‌نویس قانون اساسی اتحادیه اروپا که تجربه‌ای نوین در عرصه حقوق اساسی است، مورد تصویب قرار گرفته است. در نوشته حاضر برخی از اصول پیش‌نویس با موضوعاتی از قبیل اهداف، حقوق اساسی در اتحادیه و منشور حقوق بنیادین اتحادیه با توجه به فضای مقررات بین‌المللی و در پرتو اهداف کنوانسیون‌های بین‌المللی بررسی می‌شود.



بیش از یک سال و نیم است که مجمع تنظیم قانون اساسی اروپا تشکیل شده است. پیش‌نویس این قانون با شرکت فعال ۱۰۵ تن از بلند پایه‌ترین سیاستمداران و نمایندگان منتخب مردم تهیه شده است. هر چند اکثر سیاستمداران و روشنفکران اروپایی با محتوای این پیش‌نویس موافقت و تصویب نهایی آن را گامی ارزنده در راه وحدت اروپا می‌دانند. بخشی از دولتمردان محافظه‌کار و نمایندگانی از اعضای نوپای اتحادیه، با این امر مخالفند. چندی پیش این مخالفان دیدگاه خود را درباره این پیش‌نویس زیر عنوان بیانیه پراگ منتشر کردند، در این بیانیه که امضاکنندگان آن از کشورهای لهستان، چک و بریتانیا بودند، آمده است که باید از ظهور یک ابرقدرت ساختگی با تکیه بر قانون اساسی اروپا جلوگیری کرد. در این زمینه حتی رئیس‌جمهور کشور چک «واکلاوکلاوس» کار مجمع تنظیم قانون اساسی را زاید دانست.<sup>۱</sup>

همچنین، در مقابل، هواداران تصویب پیش‌نویس قانون اساسی در پاسخ به نگرانی‌های مخالفان می‌گویند که تصویب و اجرای این قانون، نحوه پیشبرد کار اتحادیه را شفاف و همه‌فهم‌تر می‌کند و در این هنگام که اتحادیه رو به گسترش است، بسیار لازم و مهم است.

نماینده حزب محافظه‌کاران در پارلمان اروپا «الماریوک» در تنظیم پیش‌نویس قانون اساسی فعالانه شرکت کرده است. او در این رابطه می‌گوید: «اتحادیه اروپا کارتر شده است، چون قاعده‌تاً تصمیم‌ها بیش از این که با طول و تفصیل به بحث گذاشته شوند، با رأی اکثریت تصویب می‌شوند. هر چند این قاعده همه جا رعایت نمی‌شود، ولی من بر این باورم که توازون و تعادلی در کار کمیسیون اجرایی، شورای وزیران و پارلمان اروپا پدید آمده است. سیاست اتحادیه آشکارتر و شفاف‌تر جلوه می‌کند، چون در آینده نشست‌های وزیران به هنگام وضع قانون علنی خواهد بود. بنابراین دست اندرکاران رسانه‌ها و شهروندان با خبر خواهند شد که کدام کشور به چه علتی به فلان قانون رأی داده است. وقتی روند طرح قوانین میان پارلمان و شورای وزیران علنی باشد، ما به نوعی افکار عمومی اروپایی دست خواهیم یافت و نکته مهم هم همین است».<sup>۲</sup>

اکنون نگاهی کوتاه به خود پیش‌نویس می‌اندازیم، نخست آن‌که مجمع تنظیم با مشخص کردن یک سرود ملی، برگرفته از آثار بتهوون، تعیین رنگ پرچم و همچنین روز نهم ماه مه به عنوان روز ملی اروپا، چند اقدام سبلیک انجام داده است که به عقیده تدوین‌کنندگان پیش‌نویس، دستیابی به هویتی اروپایی آسان‌تر خواهد ساخت. اما نخستین موضوع محتوایی که پس از بحث و جدل‌های بسیار در سرسخن این قانون مطرح شده، پایه و سرچشمه فکری و فلسفی اروپا است. بسیاری از نمایندگان و سران اتحادیه اصرار داشتند که در این سرسخن بیان شود که اندیشه و بنیاد فرهنگ و سیاست در اروپا بر پایه ارزش‌های آیین مسیح استوار است. اما بخش دیگری از دست‌اندرکاران مجمع تنظیم پیش‌نویس مذکور با تکیه بر قوم‌ها و خلق‌های غیرمسیحی در اروپا گسترش این قاره

1. <http://www.baztab.com/index.asp?ID=5946>.

2. Ibid.



به سمت شرق توانستند یک فرمول‌بندی لائیک را در سرسخن پیش‌نویس به‌عنوان پایه ارزش‌های فلسفی و فرهنگی اروپا جای دهند.

نماینده اسپانیا در مجمع تنظیم قانون اساسی «بارون کرسپو» در این باره چنین می‌گوید: «تاریخ کشور من همان‌طور که تاریخی یونانی است، تاریخی رومی، مسیحی، اسلامی و یهودی هم است. پس بهتر این است که بر صورت و خصلت غیرمذهبی متن قانون تأکید شود».<sup>۱</sup>

در نهایت، در متن پیش‌نویس، به‌طور انتزاعی پایه ارزش‌ها را این‌گونه قید کرده‌اند: سرچشمه ارزش‌های معنوی‌ای را که در اروپا به ما رسیده است می‌توان در اندیشه‌های بشر دوستانه فرهنگی و مذهبی یافت. پس از این که آزادی، برابری، داد و آشتی از هدف‌های بنیادین اتحادیه شمرده می‌شوند، در متن به حقوق و وظایف شهروندان اتحادیه پرداخته شده است. هر شهروندی که از کشور عضوی به کشور دیگر اتحادیه مهاجرت کند، حق دارد در انتخابات محلی و انتخابات پارلمان اروپا فعالانه شرکت کند. مسأله امنیت شهروندان از مسائل دیگری است که در این متن بر لزوم آن تأکید شده است و در این خصوص به وظیفه اداره‌کنندگان کشورها در فراهم کردن رفاه مردم نیز اشاره شده است.<sup>۲</sup>

در پیش‌نویس قانون اساسی اروپا حقوق بیشتر و مشخص‌تری در رابطه با اداره اتحادیه به شهروندان داده شده است. نخست این‌که هر شهروندی قادر است در صورت بروز مشکلی با ادارات کشور خود یا اتحادیه، به‌طور مستقیم به مسئول ویژه امور شهروندان در اتحادیه یا حتی به پارلمان اروپا عرض حال بدهد. اگر طوماری که از سوی یک میلیون شهروند قلمرو اتحادیه تهیه و در آن درخواست تجدید نظر یا وضع قانونی شود، کمیسیون اجرایی اتحادیه باید متنی در این خصوص به شورای عالی اتحادیه تسلیم کند.<sup>۳</sup>

یکی از موضوع‌های مهم دیگری که در پیش‌نویس مذکور به آن پرداخته شده است، تعیین حدود و اختیارات کشوری و فراکشوری است. در حالی که تعیین سیاست‌های کلی تجاری، ارزی و رقابت آزاد اقتصادی به مقام‌های اتحادیه تفویض شده است، سیاستگذاری در شاخه‌های زیست محیطی، رفاه اجتماعی و کشاورزی، میان مسئولان مختلف اعم از کشوری و فراکشوری تقسیم می‌شود.

اما قرار است که این قانون در نشست‌های مختلف سران و وزرای کشورهای عضو و کشورهای نامزد پیوستن، اصلاح، تجدید نظر یا جرح و تعدیل شود تا به مرحله تصویب نهایی برسد. اولین نشست با حضور ۱۵ کشور عضو و ۱۰ کشور نامزد پیوستن به اتحادیه، در روز ۱۴ اکتبر ۲۰۰۳ در رم به‌منظور بررسی قانون اساسی تاریخی اروپا آغاز شد.<sup>۴</sup> حاصل نشست بالا گرفتن اختلافات بود.<sup>۵</sup>

1. Ibid.

2. Ibid.

3. Ibid.

۴. بلغارستان، ترکیه و رومانی نقش ناظر را دارند.

5. <http://www.Shargh newspaper.com>.



سیلیویو برلوسکونی، رئیس اتحادیه اروپا اعلام کرد که اجلاس نشان داد هر یک از اعضا تنها از مواضع خود در این طرح دفاع می‌کند. هر چند همه حاضرین ابراز علاقه می‌کردند که تا پایان سال به نتیجه‌ای قطعی دست یابند. با این حال متن پیشنهادی توسط کنوانسیون، مربوط به آینده اروپا، کشورهای «بزرگ» و «کوچک» و اعضای آینده را از هم تفکیک کرده است. البته بانیان قانون اساسی اروپا (فرانسه، آلمان، ایتالیا و کشورهای بلوکس) و انگلستان مخالف از هم پاشیدن طرح هستند. در عین حال کشورهای مثل لهستان و سایر کشورهای بلوک شرق سابق که قرار است به اتحادیه اروپا بپیوندند و همچنین کشورهای کوچکی مثل اتریش و فنلاند جبهه مخالفان را تشکیل داده‌اند.<sup>۱</sup>

با این حال سعی و تلاش کشورهای اروپایی عضو اتحادیه و غیرعضو بر این است که تا مه ۲۰۰۴ همزمان با عضویت ۱۰ کشور جدید به اتحادیه اروپا، این متن تصویب شود. با این همه بسیاری از کارشناسان تأکید می‌کنند که متن حاضر، بهترین پیشنهادی ممکن برای قانون اساسی اروپا است. همچنین در دفاع از پیشنهادی حاضر، بیان شده است که با اتحادیه‌ای ۲۵ عضوی، بهتر از این طرح را نمی‌توان برای قانون اساسی اروپا مطرح کرد. این ایده برخی از تحلیل‌گران اروپایی را هم به این باور رسانیده که به جای تأکید بر اختلافات کوچک و بزرگ‌نمایی مشکلات، باید محورهای وفاق را مورد توجه قرارداد و در جهت ایجاد اجماع اروپایی حرکت کرد. همچنین توصیه شده است که رهبران اروپایی برای ایجاد اروپایی متحد و قوی‌تر در صحنه‌های بین‌المللی، خرده اختلافات اندک را کنار بگذارید و بر تدوین قانون اساسی بپردازید و البته ماه‌های آینده و نشست‌های آتی فرصتی است برای رهبران اروپایی تا به شهروندان کشورهايشان نشان دهند که میان تأکید بر نقاط افتراق یا راه‌های دستیابی بر اقتدار و اتحاد، کدامیک را بر خواهند گزید.<sup>۲</sup>

ما در این نوشته سعی بر آن داریم تا برخی از اصول پیشنهادی با موضوعاتی از قبیل تعاریف، اهداف، حقوق اساسی در اتحادیه و منشور حقوق بنیادین اتحادیه را که شامل: شأن، آزادی‌ها، تساوی، وحدت، حقوق شهروندان و عدالت می‌شود، را با توجه به فضای مقررات بین‌المللی و در پرتو اهداف کنوانسیون‌های بین‌المللی، به خصوص کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌های مربوط به مباحث حقوق بشری بررسی کنیم. تا توانسته باشیم که برخی از مبانی مباحث طرح پیشنهادی را تبیین کنیم.

اروپا پس از تلاشی به مدت بیش از نیم قرن به اولین تجربه جهانی در عرصه یکپارچگی منطقه‌ای دست یافت و امروز شاهد آن هستیم که پیشنهادی قانون اساسی اتحادیه اروپا که تجربه‌ای نوین در عرصه حقوق اساسی است مورد تصویب قرار گرفته است. لذا دستاورد مزبور را به فال نیک می‌گیریم و به بررسی اصول اولیه این پیشنهادی که می‌تواند در عرصه حقوق اساسی کارکردها و راهکارهای تازه‌ای را ارائه کند، می‌پردازیم.

1. Ibid.

2. Ibid.



قانون اساسی هر کشور منعکس کننده اراده یک ملت است که براساس اصول و ارزش‌های مورد قبول یک جامعه دارای تعریف و اهداف مشخصی است که در اصل اول پیش‌نویس قانون اساسی اتحادیه اروپا بدان این‌گونه اشاره شده است: «این قانون اساسی که، اتحادیه اروپا را تأسیس می‌کند بازتاب خواست شهروندان و دولت‌های اروپایی به برپایی آینده مشترک که در آن دولت‌های عضو صلاحیت‌هایی را به منظور دستیابی به اهدافی که عمومیت دارند اعطاء می‌کنند...». همان‌گونه که در این اصل اشاره شد قانون اساسی اتحادیه اروپا منعکس کننده اراده شهروندان اروپایی برای دستیابی به آینده‌ای مشترک است و بدین‌وسیله دیگر اراده دولت‌های عضو به اراده شهروندان اروپایی مبدل گشته است و جامعه جهانی پس از کثرت‌گرایی در قرون اخیر و ظهور استقلال‌طلبی و تجزیه‌طلبی‌ها دوباره روندی معکوس به خود گرفته است و به سمت وحدت در حال حرکت است که بارزترین ظهور این روند در اروپا شکل گرفته است که دولت‌های اروپایی با پایبندی به ارزش‌ها و اهداف مشترک به‌وسیله منشور اساسی مزبور به یکدیگر پیوند خورده‌اند که در بند اصل اول بدین ترتیب بدان اشاره کرده: «بند ۲- این اتحادیه به روی همه کشورهای اروپایی که به ارزش‌هایش احترام می‌گذارند باز خواهد بود و دولت‌ها به پیشبرد ارزش‌ها به صورت هماهنگ متعهد می‌شوند.

اما باید دید این ارزش‌ها بیان شده چه ارزش‌هایی باید باشند؟ هر دولت، کشور براساس هنجارهای مختلف حاکم بر جوامع متفاوت موجود در داخل، دارای یک دسته ارزش‌های مشترکی است که عموماً ارزش‌های مزبور حول محور بشریت و ارزش‌های متعالی آن به‌وجود می‌آید در اصل دوم پیش‌نویس این‌گونه به مفاهیم متعالی ارزش‌های اتحادیه اشاره شده است. اصل ۲ «این اتحادیه مبتنی بر ارزش‌هایی است که شأن بشریت، آزادی، دموکراسی، برابری و حاکمیت قانون، که محترم برای حقوق بشر است بنا می‌شود. این ارزش‌ها برای دولت‌های عضو در یک جامعه مبتنی بر کثرت‌گرایی، تسامح، عدالت، همبستگی و عدم تبعیض، مشترک است» در دهه‌های اخیر مفهوم بشریت در فراسوی دولت - کشورها قرار گرفته است و دیگر به سان گذشته در حالتی انفعالی به سر نمی‌برد هر چند که مشترکات بشری که در این اصل به آن‌ها اشاره شد نتواند به‌طور کلی صورت سیاسی سازمان یافته‌ای به‌خود گیرد و در نتیجه جانشین جامعه بین‌المللی دولت‌ها شود. جامعه بشری جامعه‌ای آرمانی است که نه تنها انسان‌ها را در آن سوی مرزهای ملی با یکدیگر دمساز می‌کند بلکه در حد مبنایی فراحقوقی دولت‌های مختلف را وادار می‌سازد که در جهت تحقق منافع انسان و بشریت گام بردارند<sup>۱</sup> که یکی از منصفه‌های ظهور این امر در پیش‌نویس اتحادیه اروپا مشاهده می‌شود.

۱. فلسفی، هدایت... «ملل متحد و آرمان بشریت»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۵ و ۳۶، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۶.



اتحادیه اروپا در کنار ارزش‌های مزبور همانند هر جامعه سازمان یافته‌ای دارای اهداف مشترک و معینی است، اهداف اتحادیه اروپا نیز باید به گونه‌ای تعریف شود که ارزش‌های مقوم ذات حیات انسانی را عینیت دهد، شأن و منزلت بشر را اعتلا دهد و عدالت را در مفهومی متناسب با سیستم حاکم بر اتحادیه اروپا مستقر کند که در ذیل به آن می‌پردازیم.

الف) صلح فرایندی است که بدون توسل به زور جریان می‌یابد و هدف آن تنها جلوگیری از خشونت و اعمال زور نیست بلکه ایجاد شرایط واقعی همزیستی گروه‌ها و اقوام مختلف در محیطی آرام و فارغ از تنش است. استقرار صلح نباید به گونه‌ای باشد که به موجودیت فردی و جمعی و همچنین به شأن و منزلت انسان‌ها لطمه وارد آورد یا منافع حیاتی جامعه و عدالت را به مخاطره اندازد و به همین خاطر در بند اول اصل سوم: «هدف اتحادیه پیشبرد صلح، ارزش‌هایش و رفاه برای مردمش است» را با هم آورده است.

ب) در بند دوم اصل سوم پیش‌نویس اتحادیه اروپا نیز این‌گونه از آن‌ها یاد شده است «اتحادیه به شهروندانش عرصه آزادی، امنیت و عدالت را فارغ از حد و مرز داخلی... تقدیم می‌کند».

ج) بند سوم از اهداف اتحادیه به مسائل اقتصادی و عدالت اجتماعی و فرهنگی توجه کرد و آن را این‌گونه بیان می‌کند: «اتحادیه برای یک اروپای حامی پیشرفت مبتنی بر توازن رشد اقتصادی و یک جامعه اقتصادی مبتنی بر بازار با رقابت بالا و با هدف اشتغال کامل و جامعه مترقی و با یک سطح بالایی حمایت و اصلاح محیط زیست تلاش و کار خواهد کرد. این ترقی علمی و فنی رو به پیشرفت خواهد بود. این اتحادیه با جامعه انحصاری و تبعیض‌آمیز مبارزه خواهد کرد و عدالت و حمایت اجتماعی و برابری میان زن و مرد و همبستگی میان نسل‌ها و حمایت از حقوق کودکان را ترقی خواهد داد...».

د) جامعه جهانی مفهومی است برخاسته از ارزش متعالی بشریت که هسته مرکزی سیستم ملل متحد است. جامع جهانی که موضع تحقق حقوق جهانی است در گفتگو و ارتباط و تبادلات مادی و معنوی افراد با یکدیگر تحقق می‌یابد تا آن‌جا که هر فرد شهروند، جهانی می‌شود. در چنین جامعه‌ای با آن که اختلاف نظرات، تنش‌ها، مسائل و مشکلات روزمره حیات اجتماعی همچنان باقی است و هر گروه اجتماعی عضو این جامعه یعنی دولت‌ها به تناسب توانایی‌هایی که دارند رشد و توسعه می‌یابند جملگی اعضا تلاش می‌کنند تا راه حل واحدی برای مقابله با مسائل و مشکلات مشترک مثل رشد فقر، تروریسم، نژادپرستی، بحران‌های زیست محیطی بیابند و در نهایت تدابیری برای اداره میراث مشترک بشریت بیندیشند و در همین راستا بند چهارم از اهداف اتحادیه این گونه شکل گرفته است: «اتحادیه از ارزش‌ها و منافع خود در روابطشان با جامعه جهانی حمایت خواهد کرد و همچنین صلح، امنیت، توسعه قابل حمایت جامعه جهانی، همبستگی و احترام متقابل میان مردم، تجارت آزاد و منصفانه، ریشه‌کن کردن فقر و حمایت از حقوق بشر و به خصوص حقوق کودکان به همان ترتیب با نگرش دقیق و توسعه حقوق بین‌الملل که شامل اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد است کمک خواهد کرد».





اما اصل چهارم پیش‌نویس، آزادی رفت و آمد و عدم تبعیض در زمینه‌های تابعیت را مورد توجه قرار داده است این موضوع در کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشری به خصوص در اصول سیزدهم و پانزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در اصل چهارم پیش‌نویس قانون اساسی اتحادیه اروپا نیز این‌گونه بدان اشاره شده است: «۱. آزادی تردد اشخاص، کالاها، خدمات و سرمایه‌ها توسط اتحادیه در انطباق و اعمال این قانون اساسی تضمین خواهد شد،

۲. در زمینه اجرای این اساسنامه بدون هیچ‌گونه لطمه زدن به مقررات ویژه‌اش هرگونه تبعیض در زمینه‌های تابعیت ممنوع خواهد شد». اصل پنجم پیش‌نویس ساختار اتحادیه را مورد توجه قرار داده است و به روابط میان اتحادیه و دول عضو می‌پردازد، در نظام‌های سیاسی موجود در جامعه جهانی نظام سیاسی فدرالیسم نزدیک‌ترین نظام به اتحادیه اروپا است، فدرالیسم یعنی گرایش جماعات متمایز انسانی به سوی یکدیگر، در نظام فدرالی دو گرایش متضاد با هم آشتی داده می‌شود. اول علاقه به حفظ خودمختاری و شخصیت حقوقی از سوی دولت‌های مستقل و درثانی کشش به سوی تشکیل یک قدرت جدید تا در برگیرنده کلیه جماعات عضو باشد. در اتحادیه اروپا نیز به خصوص در پیش‌نویس قانون اساسی آن، این دو گرایش کاملاً مشهود است و دولت‌های عضو اتحادیه اروپا به مانند نظام فدرالیستی بنا به ملاحظات سرنوشت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی خود را به هم پیوند داده و با کمک یکدیگر قدرت بزرگ‌تر و فراگیرتری را به وجود آورده‌اند، تا مرتبه شایسته‌تری در جامعه جهانی برای خود کسب کنند. این موضوع در اصل پنجم پیش‌نویس این‌گونه آمده است.

«الف) اتحادیه به شخصیت‌های ملی دولت‌های عضو احترام خواهد گذارد و ماهیت ساختارهای بنیادینشان، سیاسی و قانونی، استقلال محلی و منطقه‌ای را در بر می‌گیرد، اتحادیه به نقش‌های اساسی دولت‌های عضو احترام خواهد گذارد که شامل تأمین تمامیت ارضی دولت، حفظ قانون و دستور تأمین امنیت داخلی باشد،  
ب) اصل همکاری صادقانه، دولت‌های عضو، اتحادیه را در احترام متقابل به یکدیگر در انجام وظایفی که در این اساسنامه مقرر شده یاری می‌رساند و...».

-

در این بند پیش‌نویس برخی از حقوق اجتماعی - سیاسی اتباع اتحادیه اروپا مورد اشاره قرار گرفته است تابعیت نیز از حقوق مزبور می‌باشد، خصیصه وحدت در عین کثرت کشورهای فدرال در مسأله تابعیت نیز موجود است در کشورهای فدرالیده اتباع دارای تابعیت دوگانه «ایالتی - فدرالی» هستند، این امر در پیش‌نویس اتحادیه اروپا نیز در بند اول اصل هشتم این‌گونه اشاره شده است: «هر تبعه دولت عضو، شهروندی از اتحادیه است تابعیت اتحادیه به تابعیت ملی اضافه می‌شود لکن جایگزین آن نمی‌تواند شود» در ادامه اصل به برخی از حقوق اجتماعی - سیاسی اتباع



دول عضو اشاره شده است که حقوقی چون حق عبور و مرور، حق رأی، کاندیداتوری و... از جمله این حقوق است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشری و در قوانین اساسی اکثر کشورها بدان اشاره شده است که حقوق اجتماعی سیاسی مورد اشاره در ادامه اصل هشتم این گونه آمده است: «... شهروندان اتحادیه دارای حقوق و تابع وظایف مقرر در این اساسنامه هستند. آن‌ها دارای حق عبور و مرور و اقامت آزادانه در قلمرو دول عضو، حق رأی، کاندیدا شدن حق برخورداری از حمایت سیاسی و کنسولی در قلمرو دولت‌های ثالث، حق دادخواهی در پارلمان اروپا... هستند».

-

در بخش‌های قبل به حقوق و آزادی‌های اساسی اتباع دولت‌های عضو اتحادیه اروپا بیش‌تر پرداخته شده لکن در این قسمت به بررسی روابط دولت‌های عضو با اتحادیه و تعاملات بین دولت‌های عضو و نیز به ساختار و چارچوب سیاسی اتحادیه و به مباحثی چون حقوق، صلاحیت‌ها و اقتصاد و سیاست خارجی اتحادیه اروپا به‌طور اختصار می‌پردازیم. براساس نظر ژرژسل، استاد فرانسوی حقوق عمومی برای تحقق دولت، کشور فدرال سه اصل زیر پیشنهاد شده است.

. مقصود، ایجاد نهادهای مشترک است که قلمرو و عملکرد آن‌ها کلیه اعضای کشور فدرال باشد و در سطح فراتری از دولت‌های عضو عمل می‌کند،  
. برابر این اصل هر یک از دولت‌های عضو دارای صلاحیت‌های سازمانی و سیاسی خود هستند و هر کدام بخشی از حاکمیت خود را دارا هستند،

. بر این اساس دولت‌های عضو می‌توانند در سرنوشت کلی جامعه مشارکت داشته باشند این اصل به هنگام تصویب و تغییر و اصلاح قوانین عادی و اساسی به نیکی مشاهده می‌شود.<sup>۱</sup> اصول ۹ تا ۱۷ پیش‌نویس قانون اساسی اتحادیه اروپا براساس اصول سه گانه مزبور به بیان حقوق و صلاحیت‌های اتحادیه می‌پردازد و محدودیت‌هایی را برای دولت‌های عضو در برخی اعمال صلاحیت‌ها مشخص می‌کند. همان‌گونه که می‌دانیم در نظام فدرالیسم، قانون اساسی و نهادها و تأسیسات مشترک مافوق نهادهای ملی و داخلی است و نباید برخلاف آن نهادها، دولت‌های عضو عمل کنند. چنان‌چه در بند اول اصل دهم پیش‌نویس نیز صراحتاً این‌گونه بدان اشاره شده است: «قانون اساسی و قوانین اتخاذ شده از سوی تأسیسات اتحادیه در اعمال صلاحیت‌های اعطا شده به آن در رتبه بالاتری از حقوق داخلی دول عضو قرار می‌گیرد».

در امر قانونگذاری نیز این امر صدق می‌کند. اتحادیه، سیاست‌های کلی اقتصادی و شغلی و همچنین سیاست‌های امنیتی و خارجی را برای دولت‌های عضو مشخص می‌سازد و دولت‌ها موظف به رعایت آن‌ها هستند که در اصل یازدهم این‌گونه به تشریح آن پرداخته شده است:

«(۱) زمانی که اساسنامه صلاحیت انحصاری اتحادیه را در یک زمینه مشخص اعطا می‌کند، تنها اتحادیه می‌تواند قانونگذاری کند و قوانین الزام‌آور تصویب کند. دول عضو قادرند خودشان در

۱. قاضی، ابوالفضل. بایسته‌های حقوق اساسی، نشر دادگستر، چاپ دوم ۱۳۷۵، ص ۹۴.



صورتی که توسط اتحادیه دارای اختیار شوند یا برای اجرای قوانین اتخاذ شده توسط اتحادیه، عمل کنند. ۲) اتحادیه برای پیشبرد و هماهنگی سیاست‌های اقتصادی و شغلی دولت‌های عضو صلاحیت دارد. ۳) اتحادیه برای تبیین و عملی‌سازی یک سیاست امنیتی و اشتراک خارجی صلاحیت خواهد داشت که شامل پیشرفت در چارچوب یک سیاست حمایت مشترک است».

در برخی موارد اتحادیه دارای صلاحیت‌های انحصاری است. از جمله آن می‌توان به مسائل بین‌المللی اشاره کرد. بدین معنا که در دول فدرال مسائل خارجی و امنیت بین‌المللی بر عهده دولت مرکزی است و دولت‌های عضو فقط در تصمیم‌سازی آن مشارکت دارند. در اتحادیه اروپا نیز چنین خواهد شد که در اصل دوازدهم بدان به شرح زیر اشاره شده است:

«اتحادیه صلاحیت انحصاری برای ایجاد قواعد رقابت که برای شکل‌گیری بازار داخلی و زمینه‌های مقرر در ذیل لازم است را دارد.

- سیاست پولی، برای دول عضوی که در یورو پذیرفته شده‌اند. سیاست تجاری مشترک اتحادیه گمرکی و حمایت از منابع زیستی تحت سیاست ماهیگیری مشترک،  
- صلاحیت انحصاری برای انعقاد موافقتنامه بین‌المللی که انعقادش عمل قانونگذاری اتحادیه است.

لکن در برخی از موضوعات، به خصوص زمینه‌های اقتصادی دولت مرکزی با دول عضو تقسیم صلاحیت می‌کند زیرا ماهیت مسائل اقتصادی و اجتماعی مشارکت و همفکری با دول عضو است که براساس بند دوم اصل سیزدهم در برخی زمینه‌ها اتحادیه با دول عضو تقسیم صلاحیت می‌کند: «تقسیم صلاحیت در زمینه‌های زیر اعمال می‌شود:

بازار داخلی، زمینه آزادی، امنیت و عدالت، کشاورزی و ماهیگیری - شامل حمایت از منابع زیستی و دریایی می‌شود - حمل و نقل و شبکه‌های حمل و نقل اروپایی، انرژی، سیاست اجتماعی برای جنبه‌های تعریف شده در فصل سوم، اقتصاد، اجتماع و تمامیت ارضی، محیط زیست، حمایت از مصرف کننده و ایمنی مشترک در خصوص موضوعات بهداشت عمومی».

همچنین بدین نکته نیز باید اشاره کرد که سیاست‌های کلی اقتصادی و اجتماعی پیش‌بینی شده از سوی دولت مرکزی باید هماهنگی کامل با سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت‌های عضو داشته باشد و سیاست‌های دولت‌های عضو در جهت رسیدن به سیاست‌های کلی دولت مرکزی باشد و نمی‌تواند برخلاف آن ترسیم شود این امر نیز در اصل چهاردهم پیش‌نویس این‌گونه اشاره شده است.

۱) «اتحادیه برای هماهنگی سیاست‌های اقتصادی دولت‌های عضو تدابیری اتخاذ می‌کند و به‌طور خاص با اتخاذ دستورالعمل‌های کلی برای این سیاست‌ها، دولت‌های عضو، سیاست‌های اقتصادی‌شان را با اتحادیه هماهنگ می‌کنند.

۲) مقررات ویژه برای دولت‌های عضوی که پذیرفته شده‌اند در یورو، اعمال خواهد شد.

۳) اتحادیه برای تضمین هماهنگی سیاست‌های شغلی دولت‌های عضو به‌طور خاص تدابیری اتخاذ می‌کند.



۴) اتحادیه می‌تواند ابتکاراتی را برای تضمین هماهنگی سیاست‌های اجتماعی بیندیشد». اما در خصوص سیاست‌های امنیتی و خارجی نیز پیش‌نویس راهکاری دیگر دارد و آن عبارت است از صلاحیت اتحادیه از یک سو و همبستگی و حمایت متقابل دول عضو در این راستا برای حفظ منافع ملی اروپا، که اصل پانزدهم به آن این‌گونه پرداخته است:

«۱- صلاحیت اتحادیه در موضوعات سیاست مشترک خارجی و امنیت، زمینه‌های سیاست خارجی و تمامی مسائل مربوط به امنیت اتحادیه را پوشش می‌دهد که شامل چارچوب مترقی یک سیاست دفاع مشترک است که ممکن است به یک دفاع مشترک هدایت شود.

۲- دولت‌های عضو فعالانه و آشکارا سیاست مشترک خارجی و امنیتی اتحادیه را به‌طور صادقانه و با همبستگی متقابل حمایت می‌کنند و به‌وسیله اعمال پذیرفته شده توسط اتحادیه در این زمینه آن را اعمال می‌کنند. آن‌ها از اعمال خلاف منافع اتحادیه یا آسیب احتمالی به آثارش خودداری می‌کنند».

همچنین در برخی زمینه‌ها برای اتحادیه اقدامات حمایتی، هماهنگی یا تکمیلی را پیش‌بینی کرده است که بدین وسیله از عقب‌افتادگی، ناموزونی و نابرابری دولت‌های عضو برای حرکت در راستای سیاست‌های مشترک جلوگیری می‌کند این زمینه‌ها در اصل شانزدهم بدین ترتیب معین شده است:

«... زمینه‌ها برای اقدام حمایتی، هماهنگی یا تکمیلی در سطوح اروپایی به شرح زیر است: صنعت، حمایت و تقویت بهداشت بشری، تعلیم و تربیت، کارآموزی شغلی، جوانان و ورزش، فرهنگ و حمایت مدنی».

اما موضوعی که بسیار جالب است و طرح نوینی در حقوق اساسی است که منجر به پویایی و روزآمد بودن این قانون اساسی می‌شود پیش‌بینی بند اول و دوم اصل هفدهم پیش‌نویس است که بدین وسیله توصیه می‌کند که ابزارهای به روز و منطبق با اوضاع و احوال زمان برای رسیدن به اهداف مشترک و معین به کار گرفته شود چنانچه بدان این‌گونه اشاره کرده است: «اگر عملی براساس چارچوب سیاست‌های مصرح در فصل سوم جهت دستیابی به یکی از اهداف مندرج در قانون اساسی می‌بایستی توسط اتحادیه اصلاح شود و قانون اساسی اختیارات ضروری مقرر نکرده باشد شورای اروپا به اتفاق آرا پیشنهاد کمیسیون را عمل می‌کند و پس از موافقت پارلمان اروپا اقدام مقتضی را اتخاذ می‌کند.....»

-

بخش دوم قانون اساسی اروپا اختصاص به منشور حقوق بنیادین شهروندان اتحادیه<sup>۱</sup> دارد. حقوق بنیادین، حقوقی هستند که در کلیه قوانین اساسی کشورها (هر چند در عمل پایبند، دمکراسی نباشند) دمکراتیک و اسناد بین‌المللی که کوچک‌ترین ارتباطی با حقوق بشر پیدا می‌کنند، وجود

1. The Charter of Fundamental Rights of The Union.



دارند. حقوق بنیادین و اساسی افراد از اهمیت فوق‌العاده زیادی برخوردار است چرا که زیربنا و ساختار اصلی آسایش، امنیت، رفاه، تعالی و پیشرفت اشخاص در جامعه است.

با مراجعه به اسناد بین‌المللی متوجه می‌شویم که بسیاری از این اسناد که کوچک‌ترین بحثی در مورد حقوق بشر را در خود جای داده‌اند بر ابتدایی‌ترین و بنیادی‌ترین حقوق افراد تکیه می‌کنند. در حقیقت حقوق بنیادین، ارزش‌های مشترک بین افراد جامعه بوده و در این باب فرقی بین تبعه و غیرتبعه وجود ندارد چون این حقوق به واسطه ذات انسان وجود دارد و صرفنظر از نوع حکومت یا سیستم داخلی از حقوق ذاتی اشخاص است. مسلماً احترام به رعایت این حقوق آینده‌ای صلح‌آمیز و توأم با آرامش را برای افراد به ارمغان می‌آورد.

اتحادیه اروپا در قانون اساسی جدید خود بخشی مستقل را به حقوق بنیادین اتحادیه اختصاص داده است. اتحادیه اروپا بر مبنای ارزش‌های جهانی تفکیک‌ناپذیر، آزادی، تساوی، برابری و همبستگی بنیان نهاده شده است. همچنین این اتحادیه بر اصول دموکراسی و حاکمیت قانون استوار است.<sup>۱</sup>

اتحادیه اروپا با احترام به تنوع و اختلافات فرهنگ‌ها و سنت‌های مردم اروپا و نیز هویت‌های ملی دولت‌های عضو و سازمان مقامات عمومی آن‌ها بر سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی به حفظ و توسعه این ارزش‌های مشترک کمک می‌کند. اتحادیه در صدد پیشبرد و توسعه و ترویج پیشرفتی مستمر و بادوام بوده و آزادی تحرک اشخاص،<sup>۲</sup> کالاها، خدمات، سرمایه و آزادی استقرار<sup>۳</sup> را تضمین می‌کند. انتفاع و بهره‌مندی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مستلزم مسئولیت‌ها و تکالیفی راجع به اشخاص، جامعه بشری و نسل‌های آینده است<sup>۴</sup> و به همین جهت است که اتحادیه حقوق، آزادی و اصول مذکور در این منشور را به رسمیت می‌شناسد.

بند اول از این منشور اختصاص به شأن و مقام انسان دارد. از نظر این منشور شأن و مقام انسان غیرقابل تعرض بوده و باید مورد احترام قرار گیرد (اصل ۱-۲). براساس اصل ۲-۲، هر شخصی از حق حیات برخوردار بوده و نباید به مجازات مرگ محکوم یا اعدام شود. حق تمامیت شخص در اصل ۲-۳ این منشور به رسمیت شناخته شده است براساس این اصل هر شخص از حق احترام به تمامیت جسمی و روانی خود برخوردار بوده و در زمینه‌های پزشکی و بیولوژی، رضایت آزادانه و آگاهانه شخص مربوطه، مطابق با تشریفات وضع شده توسط قانون و ممنوعیت اقدامات اصلاح نژادی و استفاده از بدن انسان یا اجزای آن به عنوان منبع درآمد مالی باید مورد احترام و رعایت

1. Preamble of the Charter of Fundamental Rights of the Union, Part II, Constitution for Europe. Page 49.

2. Free Movement of Persons.

3. Freedom of Establishment.

4. Preamble of Charter Fundamental Rights of The Union, Op. Cit.



قرار گیرد. اصل ممنوعیت شکنجه و رفتار یا مجازات غیرانسانی و تحقیرآمیز در اصل ۲-۴ و ممنوعیت کار اجباری و بردگی و قاچاق انسان در اصل ۲-۵ مقرر شده‌اند.

۲.

بند دو این منشور در مورد آزادی‌ها است. براساس اصل ۲-۶ این منشور که از حق آزادی و امنیت بحث می‌کند هر فردی حق آزادی و امنیت شخصی دارد. حقی که معنای عدم توقیف خودسرانه و بدون مجوز و به عبارت دیگر آزادی به معنای خاص است و این حق به صراحت در اصل ۳ با این بیان که «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد» درج شده است.

اصل ۲-۷ منشور حقوق بنیادی اتحادیه احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی را مقرر می‌دارد براساس این ماده «هر فردی از حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی و خانه و ارتباطات برخوردار است».

براساس اصل ۲-۸ منشور حقوق بنیادی هر شخص از حق صیانت و حفظ اطلاعات شخصی راجع به خود برخوردار بوده و باید براساس قانون و به صورت مقتضی برای اهداف خاص و با رضایت شخص ذی‌ربط یا سایر مبانی مشروع وضع شده براساس قانون مورد بهره‌برداری و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. هر فردی از حق دسترسی به اطلاعاتی که راجع به خود جمع‌آوری کرده است و حق اصلاح آن برخوردار است. اجرای این قواعد باید تحت نظارت یک نهاد مستقل قرار گیرد.

واضح و آشکار است که استفاده از اطلاعات شخصی یک فرد به صورت گسترده و توسط هر نهادی امنیت و زندگی و حق خلوت وی را با خطر مواجه می‌سازد. نهادهایی وجود دارند که اطلاعات مشخص در آن جا ثبت می‌شود، من جمله اداره ثبت اسناد و املاک و غیره ... که چنانچه هر فردی با هر مقام و سمتی بتواند بدون مجوز قانونی مستدل به این اطلاعات دسترسی داشته باشد چه بسا از آن‌ها سوء استفاده کرده و امنیت معنوی و مادی فرد را با خطر مواجه سازد. هر کس حق دارد با آزادی خاطر و اطمینان از عدم افشای اطلاعات شخصی خود این اطلاعات را به مرجع یا مقام درخواست کننده تسلیم کند.

یکی دیگر از حقوق شناخته شده در منشور حقوق بنیادی اتحادیه حق ازدواج و حق تشکیل خانواده است که تضمین آن مطابق با قوانین ملی حاکم در اصل ۲-۹ مقرر شده است. مسلم است که یکی از حقوق ذاتی هر شخص ازدواج است. بدون ازدواج دوام بشریت غیرممکن است. بشر نیازمند ازدواج است. این حق طبیعی هر فرد است که با همسر دلخواه خود ازدواج کند و هیچ کس حق ندارد این حق را از وی سلب کند. این حق از جمله حقوقی است که در کلیه اسناد بین‌المللی و ملی مربوط به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی پیش‌بینی شده است.

اصل ۲-۱۰ منشور حقوق بنیادی مربوط به آزادی اندیشه، وجدان و مذهب است. این اصل مقرر می‌دارد و که «هر فردی از حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب برخوردار است. این حق شامل



تغییر مذهب یا عقیده و آزادی خواه به تنهایی یا به صورت جمعی، با دیگران و به صورت علنی یا در خلوت، ابراز عقیده یا مذهب، در عبارت تعلیم مذهبی و آیین و رسوم دینی» است.

اصل ۲-۱۱ منشور حقوق بنیادی آزادی بیان و اطلاعات را مقرر می‌دارد بر اساس بندهای این اصل «هر شخصی از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق شامل آزادی ابراز عقاید و دریافت و اظهار اطلاعات و نظرات خود بدون مداخله مقامات عمومی و بدون توجه به مرزهای (جغرافیایی) است». همچنین آزادی و پلورالیسم رسانه‌ها براساس این اصل منشور باید مورد احترام قرار گیرد. آزادی اجتماعات و انجمن در اصل ۲-۱۲ منشور حقوق بنیادی اتحادیه گنجانده شده است. انسان ذاتاً موجودی است اجتماعی و این تنها بدان معنی نیست که این اجتماع در برخی چیزها همچون شهر، شهرستان، قوم و قبیله و خلاصه شود بلکه براین معناست که اشخاص می‌توانند گرد هم آمده و در خصوص مسائل و موضوعات مختلف مبتلا به جامعه یا غیره به بحث و جدل و ارائه راه حل و نظرات خود بپردازند. برای مثال ممکن است اجتماعی برای بحث و بررسی نظام انتخاباتی، شیوه نظارت بر حکومت و غیره تشکیل شود و دولت نمی‌تواند به بهانه‌های واهی از برگزاری چنین اجتماعاتی جلوگیری یا آن را سرکوب کند. واضح است که چند فکر بهتر از یک فکر و نظر می‌تواند چاره گشا باشد و این نیازمند مشاوره و مذاکره با بقیه افراد جامعه است.

اصل ۲-۱۲ با تکیه بر این اصل مقرر می‌دارد که «هر فردی از حق آزادی اجتماعی توأم با آرامش و آزادی انجمن در کلیه سطوح، به ویژه در موضوعات سیاسی و مدنی و اتحادیه صنفی، که متضمن حق هر کس برای تشکیل و پیوستن به اتحادیه‌های صنفی برای حفظ و حمایت علایق و منافع خودش است، برخوردار است و احزاب سیاسی در سطح اتحادیه در بیان خواست سیاسی شهروندان اتحادیه سهیم هستند».

اصل ۲-۱۳ منشور حقوق بنیادی اتحادیه آزادی هنرها و علوم را بیان می‌کند. براساس این اصل «تحقیقات علمی و هنرها بدون محدودیت و رها از قید و بند خواهند بود و آزادی آکادمیک باید مورد احترام قرار گیرد».

شاید هدف اصلی از بیان آزادی تحقیقات به این صراحت در اصل ۲-۱۳ ارتباط بیش‌تری با مسائل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی پیدا کند. چرا که ممکن است سردمداران و حاکمان برای جلوگیری از فاش شدن ضعف‌ها و نواقص و کاستی‌های خود در امر انجام تحقیقات سنگ‌اندازی کرده یا مانع اجرای آن شوند و حتی محققان مذکور را با خطرات تهدید، زندان، ضرب و شتم و حتی در برخی موارد کشتن مواجه سازند.

مسئله دیگر این است که آیا تحقیقات علمی برای مثال در زمینه مشابه‌سازی<sup>۱</sup> که بحث داغ روز نیز است در مورد انسان آزاد است یا نه؟ و اگر آزادی تحقیقات در این خصوص وجود دارد آیا تولید انسان شبیه‌سازی شده مجاز است یا نه؟ که به نظر می‌رسد جواب آن منفی باشد.

اصل ۲-۱۴ منشور اختصاص به حق آموزش دارد براساس بندهای این اصل «هرکس از حق آموزش و دسترسی به آموزش مستمر و حرفه‌ای برخوردار است. این حق متضمن امکانات دریافت



آموزش اجباری رایگان است و آزادی ایجاد مؤسسات و پایگاه‌های آموزشی با توجه مقتضی به اصول دمکراتیک و حق والدین برای تضمین آموزش و تعلیم به فرزندانشان مطابق با عقاید فیلسوفی، مذهبی و تعلیمی خودشان، براساس قوانین ملی حاکم بر اعمال و اجرای چنین آزادی و حقی مورد احترام خواهد بود».

اصل ۲-۱۵ منشور مربوط به آزادی انتخاب شغل و حق استخدام است. براساس بند ۱ این اصل «هر فردی از حق استخدام شدن و ادامه شغل آزادانه قبول و انتخاب شده برخوردار است». بند ۲ این اصل مقرر می‌دارد که «هر شهروند اتحادیه از آزادی جستجوی استخدام، کار، اعمال حق استقرار و ارائه خدمات در هر دولت عضو برخوردار است». بند ۳ این اصل نیز می‌گوید «اتباع کشورهای ثالث که مجاز به کار کردن در سرزمین‌های دول عضو هستند از حق کاری برابر با شهروندان اتحادیه برخوردارند».

بر هر کس آشکار است که انسان بدون کار و فعالیت نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. کار کردن می‌تواند به دو دلیل اصلی باشد یعنی رفع حوائج و احتیاجات و نیازمندی‌های روزمره و گذران زندگی که اکثریت قریب به اتفاق مردم چنین حالتی دارند و دیگری رفع نیازهای روحی و روانی فرد کارکننده هرچند این مورد در مورد گروه اول هم مصداق پیدا می‌کند ولی مهم این است که گروه دوم که خیلی نادر هم هستند نیاز به کار و استخدامی که اکثر مردم بدان وابسته‌اند، ندارند. به طور کلی آنچه مهم است کار کردن و تهیه و تأمین امکانات و تسهیلات کار کردن و استخدام برای افراد نیازمند کار است و این کار باید کاری باشد که بتواند از نظر روحی نیز فرد را راضی نگه دارد در غیر این صورت کار جنبه صرفاً برطرف کننده نیاز مادی و به نوعی اذیت‌کننده فرد پیدا خواهد کرد. به همین دلیل است که اسناد بین‌المللی بر حق کار و کار آزادانه تأکید می‌کنند.

اصل ۲-۱۶ منشور حقوق بنیادی بر آزادی انجام تجارت براساس حقوق اتحادیه و قوانین و رویه‌های ملی تأکید نمی‌کند.

براساس اصل ۳-۱۷ هر فردی از حق تملک، استفاده، مصرف (بخشیدن، فروختن، واگذار کردن)، به ارث گذاشتن اموال و دارایی‌های تحصیل شده به صورت مشروع و قانونی برخوردار است. هیچ‌کس از اموال و دارایی خود محروم نخواهد شد جز به خاطر منافع عمومی و در مواردی براساس شرایط مقرر در قانون مشروط بر این غرامت عادلانه و منصفانه در زمان مناسب به خاطر این خسارت و ضرر به وی پرداخت شود ... (بند ۱).

براساس بند ۲ این اصل مالکیت معنوی باید مورد احترام قرار گیرد.

محروم کردن هر کس از حق مالکیت یا ضبط و مصادره اموال وی بدون دلایل و اسباب قانونی صادره در مراجع ذیصلاح باعث اغتشاش و از بین رفتن امنیت اجتماعی و قضایی شهروندان و اشخاص می‌شود و در نتیجه هیچ کس آرامش و امنیت روحی و روانی و مادی برای تداوم کار نخواهد داشت و اثر نهایی این بی‌عدالتی‌ها و جورها در تورم اقتصادی، ورشکستگی اقتصادی کشور، هرج و مرج، فقر، بدبختی، فلاکت مردم ظاهر خواهد شد. تا زمانی که دلیلی بر عدم





مالکیت کسی وجود نداشته باشد باید وی را مالک شناخته و حق هرگونه تصرف را به وی بدهیم که این خود موجب ثبات اقتصادی و بهره‌وری افراد می‌شود.

اصل ۱۸-۲ و ۱۹-۲ به ترتیب حق پناهندگی و حمایت در مواقع اخراج و استرداد را مقرر می‌دارند براساس اصل اخیر اخراج دسته‌جمعی ممنوع بوده و هیچ فردی نمی‌تواند به کشوری مسترد و بازگردانده شود یا فرستاده شود که در آن کشور این خطر جدی وجود داشته باشد که وی محکوم به مجازات مرگ شود، یا تحت شکنجه یا دیگر رفتارها یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار می‌گیرد.

علل مختلفی می‌تواند برای مهاجرت به کشور دیگر و درخواست پناهندگی وجود داشته باشد که از جمله آن علل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ... می‌تواند باشد. مسلماً در برخی از این مواقع برای مثال اگر از حقوق کار کردن در کشور خود محروم شده باشد یا از نظر سیاسی کشور متبوع وی برای وی محدودیت‌هایی از قبیل تهدید، حبس و ... در نظر گرفته باشد. باز گرداندن فرد مهاجر یا استرداد وی بنا به دلایل سیاسی وی را در معرض خطرات جدی قرار می‌دهد به همین دلیل عدالت و انسانیت اقتضا می‌کند که این امر انجام نگیرد و به همین دلیل در اسناد بین‌المللی فراوانی بر این موضوع تکیه شده باشد.

اصل ۲۰-۲ تساوی و برابری در برابر قانون را برای هرکس مقرر می‌دارد. تساوی یعنی این‌که غنی و فقیر، دار و ندار، صاحب مقام و زیردست و ... از نظر قانون یکسان هستند و قانون هیچ کس را بر کس دیگر برتری نمی‌دهد و همان‌گونه که یک فردی عادی برای مثال در دادگاه محاکمه می‌شود ناچار رئیس جمهور هم محاکمه خواهد شد.

اصل تساوی در برابر قانون را برخی اصل تساوی مجازات‌ها می‌نامند بدین معنی که تمامی کسانی که جرمی را مرتکب می‌شوند و آن جرم هم مستلزم مجازات است در برابر قانون مساوی هستند و نژاد و جنس و موقعیت اجتماعی و شغل و مذهب و مقام علمی و ثروت و ... نباید باعث شود که به یکی رجحان دهیم و مثلاً او را مجازات نکنیم بلکه همه این افراد در برابر قانون یکسان هستند.

اصل ۲۱-۲ مقرر می‌دارد که «هرگونه تبعیض بر مبنای هر دلیلی از قبیل جنس، نژاد، رنگ، منشأ قومی یا اجتماعی، خصایص ژنتیک، زبان، مذهب یا عقیده، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگری، عضویت در اقلیت ملی، مال و دارایی، تولد، معلولیت، سن ممنوع است».

اصل ۲۲-۲ منشور حقوق بنیادی بر احترام تنوع زبانی، مذهبی و فرهنگی تأکید می‌کند. کشور از جمعیتی تشکیل می‌شود که دارای مذاهب، فرهنگ‌ها و سنن و زبان مختلفی هستند و همین کشورها اتحادیه را تشکیل می‌دهند. بنابراین ما شاهد تنوع زبان، فرهنگی و مذهبی فراوانی در سطح اتحادیه هستیم.



تساوی بین مردان و زنان در اصل ۲-۲۳ منشور حقوق بنیادی - مقرر شده است و شامل کلیه زمینه‌ها و عرصه‌ها از جمله استخدام، کار و حقوق می‌شود.

در مورد حقوق کودکان اصل ۲-۲۴ مقرر می‌دارد که:

«۱. کودکان از حق حمایت و مراقبت ضروری برای آسایش و سعادت خود برخوردارند، آن‌ها می‌توانند نظرات خود را آزادانه ابراز کنند، این عقاید و نظرات در مورد موضوعاتی که مطابق با سن و بلوغ به خودشان مربوط می‌شود مورد توجه و نظر قرار خواهند گرفت.

۲. در کلیه اقدامات مربوط به کودکان خواه توسط مقامات و نهادهای عمومی اتخاذ شده باشد یا توسط مؤسسات و نهادهای خصوصی، بهترین منافع کودکان باید در اولین اولویت مدنظر قرار گیرد.

۳. هر کودکی از حق حفظ ارتباط شخصی و تماس مستقیم با هر دو والدین خود بر مبنایی منظم برخوردار است مگر این‌که این حق مغایر در تضاد با منافعش باشد».

اطفال و کودکان کسانی هستند که بعد از گذشت مدتی خود در رأس امور قرار می‌گیرند. بنابراین هرگونه که این کودکان تربیت شوند و با آن‌ها برخورد شود در آینده تأثیر مستقیم بر تصمیم‌گیری‌های آن‌ها خواهد داشت. کودکان امروز آینده‌سازان فردا هستند. مهم‌ترین سند بین‌المللی که در مورد حقوق کودکان مقرراتی را بیان داشته، کنوانسیون حقوق کودک است. این کنوانسیون علاوه بر حقوق مذکور در اصل ۲-۲۴ منشور حقوق بنیادی، حقوق دیگری را نیز مقرر داشته است که در این‌جا از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود.

اصول ۲-۲۷ و ۲-۲۸ «در مورد حقوق کارگران برای اطلاعات و مشاوره و حق معامله و اقدام جمعی را بیان می‌دارد. براساس این اصول «کارگران و نمایندگان باید، در سطوح مناسب از نظر اطلاعات و مشاوره در زمان مناسب در موارد و تحت شرایط مقرر در حقوق اتحادیه و قوانین و رویه‌های ملی تضمین شوند» و همچنین کارگران و کارفرمایان، یا سازمان‌های ذی‌ربط آن‌ها، طبق حقوق اتحادیه و قوانین و رویه‌های ملی، حق مذاکره و انعقاد موافقتنامه‌های جمعی را در سطوح مناسب دارند و در موارد تعارض منافع، حق اقدام دسته‌جمعی برای دفاع از منافعشان از جمله اعتصاب کردن را دارند».

این حقوق در ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیش‌بینی شده‌اند. حمایت در مواقع اخراج غیرموجه شرایط کاری منصفانه و عادلانه، ممنوعیت کار کودکان و حمایت از نوجوانان در کار به ترتیب در اصول ۲-۳۰، ۲-۳۱ و ۲-۳۲ منشور حقوق بنیادی قید شده است. براساس اصل آخری «استخدام کودکان ممنوع است و حداقل سن پذیرش استخدام نمی‌تواند کم‌تر از حداقل سن ترک مدرسه (۱۸ سال) ... باشد». این افراد که برای کار پذیرفته می‌شوند باید شرایط کاری مناسب با سن خود را داشته باشند و در مقابل استثمار اقتصادی و هر نوع کاری که



می‌تواند به ایمنی، سلامت یا پیشرفت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی وی صدمه وارد کند یا مانع آموزش آن‌ها شود، حمایت شوند».

یکی از مسائل اساسی برای رشد و نمو فرد در جامعه این است که وی در اولین پایگاه به اندازه کافی از نظر روحی و روانی و مادی تأمین شده باشد. شالوده فرد در خانواده ریخته می‌شود و پس از آن است که وارد جامعه می‌شود حال اگر این فرد از کودکی با بدبختی، فقر و بی‌بند و باری بزرگ شود آینده در مورد وی کاملاً مشخص است. به همین دلیل خانواده باید از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی به اندازه‌ای تأمین شود که افراد آن خانواده کمبود روحی و روانی پیدا نکنند. همچنان که در قبل هم بیان شد آنچه که برای تأمین مذکور در فوق نیاز است

داشتن شغلی متناسب با روحیات و نیازهای مشخص و غیره است. در برخی مواقع این مادر خانواده است که به قول معروف «نان بیار» خانواده است. حال اگر به هنگام مریضی، زایمان، مراقبت از کودکان و مسائل مرتبط دیگر وی از کار اخراج شود معلوم است که خانواده چه سرنوشتی پیدا می‌کند. اصل ۲-۳۳ منشور حقوق بنیادی اختصاص به این موضوع دارد و در اعلامیه جهانی حقوق بشر (بند ۳ ماده ۱۶) نیز بر رکن اصلی بودن خانواده تکیه شده است.

بر اساس اصل ۲-۳۴ منشور حقوق بنیادی بیمه تأمین اجتماعی و مساعدت اجتماعی به رسمیت شناخته شده است. بر اساس بند ۱ این اصل «اتحادیه حق مزایای تأمین اجتماعی و خدمات اجتماعی را که حمایت‌هایی را در مواردی همچون زایمان، بیماری، حوادث صنعتی، وابستگی یا سن پیری و در موارد بیکاری مطابق با قواعد و مقررات وضع شده توسط حقوق اتحادیه و قوانین و رویه‌های ملی مقرر می‌دارد، به رسمیت شناخته و مورد احترام قرار می‌دهد. بند ۲ نیز حق برخورداری از مزایای تأمین اجتماعی را برای هر فرد مقیم و متحرک عنوان می‌دارد بر اساس بند ۳ «به منظور مبارزه با فقر و محرومیت اجتماعی. اتحادیه حق کمک اجتماعی و تهیه مسکن را برای تضمین حیاتی شایسته برای کلیه افراد فاقد منابع کافی، مطابق با قواعد وضع شده توسط حقوق اتحادیه و قوانین و رویه‌های ملی به رسمیت می‌شناسد و مورد احترام قرار می‌دهد».

امروزه بیش از هر زمان دیگر ما شاهد از بین رفتن، آلودگی و تخریب محیط‌زیست هستیم. پیدایش کارخانه‌های صنعتی، پالایشگاه‌ها، اتومبیل‌ها و کلیه وسایل صنعتی دیگری که هوا و زمین را آلوده و مسموم می‌کنند، باعث بارش باران‌های اسیدی می‌شوند، سبب آلودگی دریاها و به هم خوردن اکوسیستم می‌شوند. ما هر روز شاهد تخریب و نابودی هر چه بیش‌تر محیط‌زیستی هستیم که برای بقای حیات به آن نیازمندیم به همین دلیل است که کشورها سخت در تلاشند تا با وضع قوانینی مناسب جلوی این فاجعه بشری را بگیرند. منشور حقوق بنیادی اتحادیه در اصل ۲-۳۷ خود بر این نکته تأکید می‌کند. حق هر کس است که از محیط‌زیستی عاری از هر گونه آلودگی برای سلامت و بهداشت خود و خانواده‌اش برخوردار باشد و این وظیفه قانونگذاران و مجریان آن است تا از تخریب هر چه گسترده محیط‌زیست جلوگیری به عمل آورند.

اصل ۲-۳۸ منشور حقوق بنیادی اتحادیه اصل حمایت از مصرف‌کننده را مقرر می‌دارد. واضح و آشکار است که تولیدی که مصرف‌کننده نداشته باشد، بیخود است چرا که از تولید هر چیزی



هدفی است و هدف آن استفاده از محصولات تولیدی است و در این میان در اکثر کشورهای جهان «مشتری مداری» را به عنوان یک اصل پذیرفته‌اند و آن‌هایی که این اصل را پذیرفته‌اند می‌دانند که بدون مشتری آن‌ها هم نمی‌توانند وجود داشته باشند. هر چند در برخی از کشورها حمایت از مصرف‌کننده اصلاً معنا و مفهومی ندارد. هر چند که در ظاهر به عنوان شعار مطرح شود ولی در عمل چنین چیزی وجود ندارد.

اصل ۲-۳۹ منشور حقوق بنیادی حق رأی داشتن و نامزدی انتخابات برای پارلمان اروپا را مقرر می‌دارد بر اساس بند ۱ این اصل «هر شهروند اتحادیه اروپا از حق رأی دادن و نامزد شدن در انتخابات پارلمان اروپا در دولت عضوی که مقیم است تحت شرایط یکسان و برابر با اتباع آن دولت برخوردار است». بند ۲ مقرر می‌دارد که «اعضای پارلمان اروپا با رأی عمومی مستقیم در رأی‌گیری آزاد و مخفی انتخابات خواهند شد».

بر اساس اصل ۲-۴۰ هر کس از حق رأی دادن و نامزد شدن به عنوان کاندیدا که انتخابات شهرداری در دولت معنوی که وی مقیم آن جاست تحت شرایط برابر با اتباع آن دولت برخوردار است».

اصل ۲-۴۱ حق حسن مدیریت را عنوان می‌دارد بر اساس بند ۱ این اصل «هر شخصی از حق اداره شدن امور خود به صورتی بیطرفانه، منصفانه و ظرف مدت زمانی معقول توسط مؤسسات، نهادها و آژانس‌های اتحادیه برخوردار است». بند ۲ این اصل می‌گوید «این حق شامل موارد ذیل است:

الف) حق هر شخصی برای دادخواهی در مقابل هر عمل و اقدامی که آشکارا بر حقوق وی تأثیر می‌گذارد،

ب) حق هر شخصی برای دسترسی به پرونده خود با احترام و رعایت منافع مشروع محرمانه بودن و اسرار تجاری و شغلی،

ج) تعهد مجریان به ارائه دلایل برای تصمیمات خودشان».

بند ۳ این اصل نیز می‌گوید: «هر شخصی از حق جبران هر گونه خسارت وارده ناشی از انجام تکالیف و وظایف مؤسسات و نهادها و کارمندان اتحادیه توسط اتحادیه مطابق با اصول کلی مشترک با قوانین دولت‌های عضو برخوردار است». بر اساس بند ۴ «هر فردی می‌تواند به یکی از زبان‌های قانون اساسی به مؤسسات و نهادهای اتحادیه نامه بنویسد و باید به همان زبان جواب دریافت کند».

هر کسی از این حق برخوردار است که وقتی به نهاد یا اداره‌ای مراجعه می‌کند کارمندان و مسئولان نهاد یا اداره مربوطه با رعایت احترام کارهای وی را انجام دهند. برخی از بودجه کشور از مالیات تأمین می‌شود و علاوه بر آن در کلیت موضوع هر فرد در منابع و درآمدهای کشور



سهیم است و این کشورها هستند که هزینه‌های اتحادیه را تأمین می‌کنند. بنابراین مقام مسئولی که در نهاد یا اداره و سازمان مربوط به اتحادیه فعالیت می‌کنند موظف به حسن برخورد با مراجعه کننده است و مطمئناً تمام تصمیمات آن‌ها مورد قبول و رضایت مراجعه‌کنندگان قرار نمی‌گیرد و باید در این خصوص توضیح کافی برای چرایی اخذ این گونه تصمیمات به فرد داده شود.

«هر شهروند اتحادیه و هر شخص حقیقی یا حقوقی مقیم در دولت عضو یا شخصی که دفتر ثبت شده است در آن کشور قرار دارد، از حق دسترسی به اسناد، مؤسسات و نهادها، ارگان‌ها و آژانس‌های اتحادیه، صرفنظر از منشأ تولیدشان برخوردار است» (اصل ۲-۴۲) منشور. در حقیقت اصل ۲-۴۲ به این نکته مهم تأکید کرده که افراد و اشخاص حقیقی و حقوقی به عنوان یک ناظر می‌توانند بر کارایی و درستکاری مؤسسات و ارگان‌ها و آژانس‌ها، تأثیر فوق‌العاده‌ای داشته باشند. برای مثال یک فرد می‌تواند با مراجعه به اسناد، اشتباهات، کم‌کاری‌ها و فسادهای موجود در مؤسسات، ارگان‌ها و نهادها را پیدا کرده و افشا کند و این یک نظام نظارتی غیردولتی بسیار خوب و کارآمدی است.

آمبودزمان اروپایی در اصل ۲-۴۳ منشور حقوق بنیادی اتحادیه مقرر شده است براساس نقش مرسوم در مجالس ملی، اشخاص متأثر از خط‌مشی‌ها یا پیشنهادها خاص می‌توانند به نمایندگان خود شکایت کنند. پیمان اتحادیه اروپا تسلیم چنین شکایاتی به اعضای پارلمان اروپایی را مجاز می‌داند (ماده ۱۹۵ (م) ۱۳۸ سابق). به علاوه اکنون مقرراتی برای انتصاب مقام مسئول رسیدگی به شکایات شهروندان اتحادیه توسط پارلمان اروپایی، از جمله شکایات راجع به تعهدات مربوط به اداره مرکزی یک شرکت در دولت عضو، وجود دارد. شکایات می‌تواند به هر گونه سوء مدیریت که فعالیت‌های همه نهادها و ارکان جامعه را پوشش می‌دهد، مربوط باشد، البته دیوان دادگستری اروپا و دادگاه رسیدگی بدوی هنگامی که نقش قضایی خود را ایفا می‌کنند، از این مقوله مستثنا هستند.

بر اساس اصل ۲-۴۳ «هر شهروند اتحادیه و هر شخص حقیقی یا حقوقی مقیم یا دارای دفتر ثبت شده در دولت عضو از حق ارجاع موارد و پرونده‌های مربوط به سوء مدیریت در فعالیت‌های مؤسسات، نهادها، آژانس‌های اتحادیه، به استثنای دیوان دادگستری اروپا و ... برخوردار است».

اصل ۲-۴۴ می‌گوید «هر شهروند اتحادیه و هر شخص حقیقی یا حقوقی مقیم یا دارای دفتر ثبت شده در دولت عضو از حق ارائه عرضحال به پارلمان اروپایی برخوردار است». آزادی تحرک و اقامت در اصل ۲-۴۵ و حمایت سیاسی و کنسولی شهروندان اتحادیه در اصل ۲-۴۶ پیش‌بینی شده‌اند. هر چند برای رفتن از کشوری به کشور دیگر شخص نیازمند گذرنامه و پاسپورت و ویزا است ولی اتحادیه اروپا به معنای اروپای واحد و یکپارچه بوده و شهروند اتحادیه در حقیقت از

1. Ombudsman. (مقام اروپایی مسئول رسیدگی به شکایات‌های شهروندان اتحادیه اروپا)

2. European Court of Justice.

3. Court of First Instance.

۴. مایک کاتبرت، حقوق اتحادیه اروپا، ترجمه بهروز اخلاقی، وحید اشتیاق، پرویز پرویزیان، تهران، مؤسسه مطالعات و

پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۰، ص ۸-۷.



حقوق کامل از کلیه دولت‌های عضو برخوردار می‌شود و در مورد حمایت سیاسی و کنسولی اتحادیه به عنوان یک شخصیت حقوقی مستقل از شهروندان خود همچنان که هر کشوری از اتباع خود در دولت‌های ثالث حمایت سیاسی و کنسولی به عمل می‌آورد، حمایت می‌کند.

حق جبران مؤثر و محاکمه عادلانه حق هر فرد است. زمانی که یکی از آزادی‌های بنیادی یا حقوق اساسی یک شخص نقض می‌شود نیاز به مرجعی صالح برای رسیدگی عادلانه وجود دارد و همین امر در موردی که شخصی مورد تعقیب و محاکمه واقع می‌شود صادق است. اصل بیطرفی، استقلال و علنی بودن و بر اساس عدالت و انصاف حکم دادن از اصول مرجع ذی‌صلاح قضایی برای رسیدگی است. یکی دیگر از شرایط اساسی رسیدگی زمان آن است به عبارت دیگر رسیدگی باید طی مدت زمان معقول و متعارف انجام شود. طولانی شدن شروع رسیدگی و انجام محاکمه و دادرسی و به تأخیر انداختن صدور حکم ضربات و خسارات مادی و معنوی زیادی بر شخص زیان دیده یا متهم وارد می‌کند. زیان دیده نیازمند ترمیم خسارات ناشی از نقض حقوقش است و نیز بدین‌وسیله زیان دیده از نظر روحی نیز آرامش می‌یابد.

جبران مؤثر می‌تواند شامل حکم به جبران خسارات مادی و پرداخت کلیه‌های هزینه‌های ناشی از این نقض باشد یا این که شامل به جبران خسارت‌های معنوی باشد که در نوع خود می‌تواند شامل عذرخواهی رسمی، اعلام اشتباه نقض کننده حقوق از طریق تلویزیون و اعاده حیثیت به هر طریق ممکن باشد. امروزه در اکثر کشورها برای جبران خسارات مادی معیار خاصی وجود دارد معذرت‌های توسعه یافته دمکراتیکی برخلاف کشورهای توسعه نیافته و غیردمکراتیک جبران خسارت‌های معنوی اهمیت خاصی دارد و برخی اوقات مبالغ کلانی برای این گونه خسارت‌ها مورد حکم قرار می‌گیرد.

ضرر مادی شامل عین وضعیت هر دو می‌شود برای مثال وقتی متهمی را دستگیر می‌کنند چون نمی‌تواند سر کار حاضر شود خساراتی بر وی وارد می‌شود که چنانچه این امر ناشی از نقض حقوق اساسی وی باشد باید جبران شود.

برای داشتن محاکمه‌ای عادلانه هر فرد باید از حق داشتن وکیل، دسترسی به مشاور حقوقی، یا معاضت قضایی، حق داشتن مترجم برخوردار باشند.

از آن جا که افراد اطلاعات کامل و کافی از قوانین ندارند یعنی اگر کشوری باشد که مردم آن نسبتاً اطلاعات حقوقی خوبی داشته باشند، باز هم مواردی است که افراد عامه از آن ناآگاه هستند و برای این که حقی از آن‌ها زایل نشود هنگامی که اتهامی به آن‌ها وارد می‌شود یا دعوی را اقامه می‌کنند، در صورتی که سیستم قضایی عادلانه باشد باید این حق را برای افراد قائل شد، باشد که در تمام مراحل بتواند وکیل داشته باشد. تا با آگاهی از قوانین هر چه بهتر حقوق خود را احقاق کند و عدالت در مورد او به نحو احسن اجرا شود.



معذلک مواردی وجود دارند که شخص خواهان استفاده از وکیل است ولی قادر به تأمین هزینه‌های مربوط به استفاده از وکیل نیست. در این صورت این وظیفه مرجع رسیدگی کننده است که برای وی امکانات وکیل گرفتن یا استفاده از نظرات حقوقی مشاوران حقوقی را تهیه کند. در مورد حق داشتن مترجم باید گفت که از آن جا که افراد همیشه در کشور خود مرتکب جرم نمی‌شوند یا حتی ممکن است در کشور خود متهم به جرمی شوند ولی زبان رسمی کشور را بلد نباشند. به عبارت دیگر فقط زبان محلی و قومی خودشان را بلد باشند برای این که بتوانند از اتهام وارده بر خود آگاه شوند و نیز برای این که بتوانند از خود دفاع کنند باید حق داشته باشند که از مترجم استفاده کنند. همین امر در مورد فردی که مدعی نقض حقوق‌اش توسط نهاد یا مرجع یا سازمانی است نیز صادق است چرا که برای اقامه دعوی و احقاق حق خود نیازمند درک زبان کشور رسیدگی کننده (و در سطح اتحادیه اروپا زبان مرجع رسیدگی کننده) است.

اصل ۲-۴۷ مقرر می‌دارد که «هر شخصی که حقوق و آزادی‌های تضمین شده‌اش به وسیله حقوق اتحادیه نقض شده باشد از حق جبران مؤثرتر و دیوان با رعایت شرایط مقرر در این اصل برخوردار است و نیز هر شخصی از حق استماع عادلانه و علنی طی مدت زمان معقول توسط دادگاه مستقل و بیطرف ایجاد شده توسط قانون برخوردار است. هر شخصی از حق مشاوره، دفاع کردن و وکیل گرفتن برخوردار است. معاضدت قضایی باید برای آنهایی که فاقد منابع مالی کافی هستند به اندازه‌ای که این معاضدت برای تضمین دسترسی مؤثر به عدالت لازم و ضروری است در دسترس و مهیا باشد».

اصل ۲-۴۸ فرض بی‌گناهی و حق دفاع را مقرر می‌دارد و بر اساس بند ۱ این اصل «هر شخصی که متهم شده است باید تا اثبات گناهش طبق قانون بی‌گناه فرض شود». بند ۲ مقرر می‌دارد که «رعایت حقوق دفاعی هر شخصی که متهم شده است، تضمین می‌شود». در حقیقت این بندها بر اصل برائت تأکید می‌کنند اصل برائت یعنی این که «هر امری که توجه آن به شخص مستلزم نوعی زحمت یا سلب آزادی یا ایجاد مضیقه باشد در صورتی که توجه آن به شخص، محل تردید باشد باید آن شخص را از آن زحمت مبری کرد، زیرا بدون دلیل قاطع تحمیل کلفت و زحمت به اشخاص روا نیست. از این معنی به اصل برائت تعبیر می‌شود، به طور مخفف آن را برائت گویند»<sup>۱</sup>.

در گذشته چنین اصلی معنا و مفهومی نداشت و گناهکار بودن یا بی‌گناهی افراد به این ترتیب ثابت می‌شود که فرد متهم را در معرض آزمایشات سخت قرار می‌دادند. اگر فرد جان سالم به در می‌برد گفته می‌شد که بی‌گناه بوده و اگر می‌مرد گفته می‌شد که به خاطر گناهش مرده و به سزای عمل‌های خویش رسیده است.<sup>۲</sup>

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۷۳، ص ۴۹.

۲. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید: آخوندی، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲، ص ۸۶.



اصل قانونی بودن و تناسب جرائم و مجازات‌های کیفری در اصل ۲-۴۹ قید شده است و اصلی قانونی بودن جرم بدین معناست که قانون آن عمل را جرم شناخته باشد به عبارت دیگر هر چند فعلی از نظر عموم نامشروع و بد جلوه کند تا زمانی که قانون در مورد آن مجازاتی مقرر نکرده نمی‌توان وی را محکوم به مجازات کرد و شخصی را نمی‌توان به مجازاتی که در قانون پیش‌بینی نشده است، محکوم کرد.

بنابراین این قاضی یا پلیس نیست که تشخیص می‌دهد چه عملی جرم است و چه عملی جرم نیست بلکه قانونگذار است که با رعایت مصالح جامعه و نفع افراد تعیین می‌کند که کدام عمل جرم بوده و کدام عمل جرم نبوده است.<sup>۱</sup>

در خصوص اصل قانونی بودن جرائم به کار یا معتقد است که با حفظ قانون می‌توان برای جرایم مجازات تعیین کند و هر شهروندی باید بداند از چه موقع گناهکار و چه موقع بی‌گناه است.<sup>۲</sup> بر اساس بند (۱) اصل ۲-۴۹ منشور حقوق بنیادی «هیچ فردی به هیچ‌گونه جرم کیفری بر اساس هرگونه فعل یا ترک فعلی که جرم کیفری را براساس قانون داخلی یا حقوق بین‌المللی در زمان ارتکاب تشکیل نمی‌داد. متهم و محکوم نخواهد شد. همچنین مجازاتی سنگین‌تر از مجازاتی که در زمان ارتکاب جرم قابل اعمال بوده است نباید تحمیل شود. چنان‌چه پیرو ارتکاب یک جرم، قانون مجازاتی سبک‌تر مقرر دارد، آن مجازات اعمال خواهد شد (به عبارت دیگر قانونگذار بدین نتیجه می‌رسد که مجازات‌های گذشته سنگین و ناعادلانه بوده است به همین دلیل چون نسبت به گذشته عادلانه‌تر و به نفع متهم است همین مجازات مورد حکم قرار می‌گیرد».

بر اساس بند ۳ این اصل «شدت مجازات‌ها باید با جرم کیفری متناسب باشد». برای مثال برای یک دزدی ساده نمی‌توان مجازات اعدام صادر کرد یا برای جرمی که خارج از اختیار و اراده شخص مرتکب ارتکاب یافته مجازاتی تعیین کرد.

بند ۲ ماده ۱۱ نیز دقیقاً این عبارات را بیان می‌دارد و مورد تأکید قرار می‌دهد.

اصل ۲-۵۰ منشور حقوق بنیادی بر اعتبار امر مختومه تأکید می‌کند. به عبارت دیگر زمانی که شخصی به خاطر ارتکاب جرمی در هر جایی مجازات شود دیگر نمی‌توان او را در جای دیگر به خاطر همان جرم مجازات کرد چون یک بار مجازات آن عمل را تحمل کرده است. حتی در صورتی که فردی از جرم تبرئه شده باشد دلیلی برای رسیدگی دوباره به آن پرونده وجود ندارد و نباید مورد رسیدگی مجدد قرار گیرد.

قانون اساسی اروپا با بیان این حقوق و اختصاص بخش خاصی از قانون اساسی به نام منشور حقوق بنیادی توجه وافری و حقوق و آزادی‌های بنیادی شهروندان اتحادیه داشته است و این نشان دهنده ارزش و ارج یک انسان در این اتحادیه است.

۱. گلدروزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران بر مبنای شریعت اسلامی، چاپ امین، ۱۳۶۵، ص ۱۹۱.

۲. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات کانون وکلای دادگستری، زمستان ۱۳۷۵، ص ۵۲.





- (
۱. آخوندی، محمد، آیین‌دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲.
  ۲. افراسیابی، محمد اسماعیل، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات فردوس، ۱۳۷۴.
  ۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۷۳.
  ۴. فلسفی، هدایت ا...، «ملل متحد و آرمان بشریت»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۵ و ۳۶، انتشارات دفتر خدمات حقوق بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
  ۵. قاضی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، نشر دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
  ۶. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران بر مبنای شریعت اسلامی، چاپ امین، ۱۳۶۵.
  ۷. مایک کاتبرت، حقوق اتحادیه اروپا، ترجمه بهروز اخلاقی، وحید اشتیاق، پرویز پرویزیان، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوق شهر دانش، ۱۳۸۰.
  ۸. ناصرزاده، هوشنگ، اعلامیه‌های حقوق بشر، انتشارات مؤسسه جهاددانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۲.
  ۹. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات کانون وکلای دادگستری، زمستان ۱۳۷۵.

- (
1. Draft of Constitution for Europe.
  2. Convention for Political Rights of women.
  3. International Covenant on Economic, Social and cultural Rights.
  4. www. Baztab.com.
  5. [www.Shargh](http://www.Shargh) news paper. Com.



:

: گاهنامه حقوقی (۳): آشنایی با قانون اساسی اتحادیه اروپا

: دکتر ابراهیم بیگزاده

: بررسی‌های حقوقی

: حاتم صادقی‌زیازی، محمد فرخی هودر، هادی مزارانی

:

: پیش نویس قانون اساسی اروپا (Draft of Constitution for Europe)

:

: در انتهای گزارش ذکر شده است.